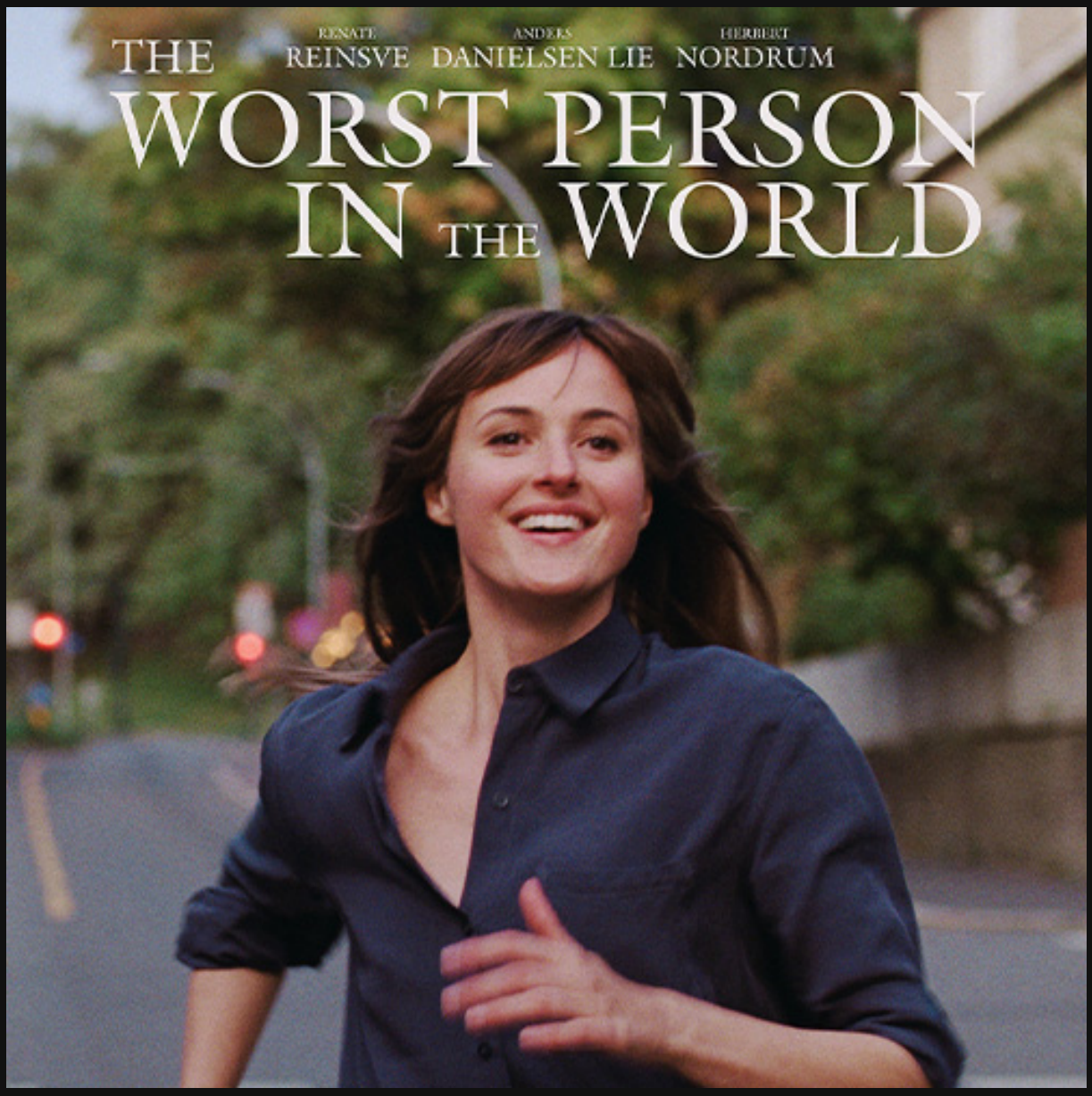
نقد فیلم؛ بدترین آدم دنیا

نویسنده: سیما کاموری

تاریخ انتشار: 16 Khordad 2585 باستانی برابر با June 6, 2026 میلادی



اسم اصلی فیلم: Verdens verste menneske

(زبان نروژی: «بدترین آدم دنیا»)

اطلاعات فیلم:

- کارگردان: یواخیم تریر (Joachim Trier)
- نویسندگان: یواخیم تریر و اسکیل فوگت (Eskil Vogt)

تاریخ‌ها:

- جشنواره کن: ۸ ژوئیه ۲۰۲۱
- اکران در نروژ: ۱۵ اکتبر ۲۰۲۱
- مدت زمان: ۱۲۸ دقیقه
- کشور تولید: نروژ
- زبان اصلی: نروژی
- بازیگران اصلی: رناته رینسوه (Renate Reinsve) در نقش «جولی»، آندرس دانیلسن لی(Anders Danielsen Lie) ، هربرت نوردروم (Herbert Nordrum)

درباره فیلم:

«بدترین آدم دنیا» سومین فیلم از سه‌گانه اسلو (Oslo Trilogy) به کارگردانی یواخیم تری‌یر است. این سه‌گانه شامل فیلم‌های «احیا»(Reprise) و «اسلو، ۳۱ اوت» (Oslo, August 31st) نیز می‌شود.

فیلم روایتگر زندگی زنی جوان است که میان انتخاب‌های شخصی و شغلی، با سردرگمی و پوچی مواجه است.

افتخارات:

- برنده بهترین بازیگر زن در جشنواره فیلم کن ۲۰۲۱ (رناته رینسوه)
- نامزد بهترین فیلمنامه غیراقتباسی و بهترین فیلم بین‌المللی در اسکار ۲۰۲۲
- تحسین‌شده به‌عنوان یکی از بهترین فیلم‌های سال ۲۰۲۱ توسط منتقدان بین‌المللی

صفحه‌ای که نباید از دست بدهید

این صفحه را علامت بزنید! شاید با یک ماژیک قرمز پررنگ یا اگر امروزی‌تر هستید، در پایین این مقاله با کلیک کردن روی «**نشان کردن**» این را از دست ندهید!

این شروع، وعده‌ای برای شگفتی است. من اینجا هستم تا از تجربه‌هایم در خواندن، نوشتن و شنیدن حرف بزنم؛ درباره فیلم‌ها، سریال‌ها، نویسندگان و کتاب‌ها. اینکه هر داستان چه سوالی در ذهنم ایجاد کرد؟ هر فیلم چه دری به جهانی ناشناخته گشود؟ و هر نویسنده با کدام فلسفه مرا درگیر کرد؟

این بار می‌خواهم با فیلمی شروع کنم: بدترین آدم دنیا، اثری از یواخیم تری‌یر از نروژ. عنوانی جذاب که به‌خودی‌خود دعوت‌کننده است. چرا که نه؟ همه ما گاهی در شرایطی یا در مواجهه با فردی خاص، احساس کرده‌ایم که «بدترین آدم دنیا» هستیم. این فیلم، درباره همین آدم‌هاست؛ درباره ما.



داستان و دیدگاه

فیلم، داستان زنی جوان به نام جولی را روایت می‌کند که در تمام مراحل زندگی‌اش با حس گنگی و بلاتکلیفی دست‌وپنجه نرم می‌کند. ساختار فیلم از فرم جذاب و غیرخطی برخوردار است، اما برخلاف انتظار از فیلم‌های هنری، چندان به دنیای درونی شخصیت نمی‌پردازد. این فیلم بیشتر در سطح اتفاقات جریان دارد. شخصیت اصلی، با وجود اینکه محور تمام داستان و تصمیمات است، پاسخ روشنی به چرایی‌های مخاطب درباره اهداف و انتخاب‌هایش نمی‌دهد. شاید کارگردان قصد داشته که او را نمادی از انسان‌های سردرگم در زندگی مدرن تصویر کند.

با این حال، بازی‌های قوی، به‌ویژه از سوی رناته رینسوه در نقش جولی، نمی‌گذارد جذابیت فیلم کمرنگ شود.

برای من، یکی از جذاب‌ترین ویژگی‌های فیلم، بی‌طرفی آن است. داستان قضاوت نمی‌کند، بلکه فرصتی برای درک و تامل به مخاطب می‌دهد.

حس و حال فیلم

همه ما گاهی سردرگم می‌شویم. نمی‌دانیم کار درست چیست، یا حتی اگر چیزی به نام «درست و اشتباه» وجود داشته باشد. گاهی از خودمان ناامید می‌شویم؛ احساس ناکافی بودن، پوچی، یا حتی دوست‌داشتنی نبودن می‌کنیم. ما در جهانی مملو از اطلاعات بیهوده، موفقیت‌های بزرگ‌نمایی‌شده، و احساسات گیج‌کننده و استرس‌زا زندگی می‌کنیم. اما شاید شما هم مثل من از خودتان پرسیده باشید:

- نقطه آرامش کجاست؟

- هدف چیست؟
- آیا اصلاً نیازی به این‌همه هدف‌های دور و دراز و گاه دست‌نیافتنی هست؟

ما چه به دست می‌آوریم در ازای آنچه از دست می‌دهیم؟ آیا خسته شده‌اید از وانمودکردن؟ از مسیرهایی که به جبر روزگار یا خواست دیگران پیموده‌اید؟ مسیرهایی که فقط رفته‌اید تا دوست داشته شوید، پذیرفته شوید، یا شاید روزی نام و خاطره‌ای از خود به جا بگذارید؟

چیزی فراتر از قضاوت

شاید بپرسید: «فیلم خوبی است یا بد؟» نه، من اینجا نیستم که قضاوت کنم. قرار نیست بگویم این فیلم خوب است یا بد. شما باید خودتان ببینید، حس کنید و بفهمید. این اثر تماماً انسانی را ببینید و بیندیشید. به یاد داشته باشید، ما انسان هستیم؛ جدا از رنج و شادی، یا بد و خوب بودن، نیاز داریم بدون جبر یا شستشوی مغزی، از زیبایی‌های کوچک زندگی لذت ببریم.

بیایید زندگی کنیم. ما بدترین آدم دنیا هستیم. یا شاید، نیستیم.